

رسول پویان

دل گم شده

گم‌گشته دل واله و حیران به دست کیست
خانه به دوش بی‌سروسامان به دست کیست
دانش‌پژوی خبره و آموزگار من
این طفل پاگریز دبستان به دست کیست
گفتم که مست می‌کنمش از شراب عشق
آری همان مست و پریشان به دست کیست
روزی به شهر و گاه به کهسار دیدمش
آن خوش‌نما غزال بیابان به دست کیست
درچین و در فرنگ بود جنس رنگ رنگ
نه نه نگین کلک خراسان به دست کیست
گر از سلاله پدری می‌کنی سراغ
بنگر نشان رستم دستان به دست کیست
دل رفت مدتی به نیستان مولوی
آخر کباب آتش سوزان به دست کیست
خشکید مزرع وطن از وحشت تموز
آب حیات و چشمه حیوان به دست کیست
پیچیده در ستمکده ما نهیب گرگ
یال بلند شیر نیستان به دست کیست
زین تیره شب مگر نبود ره به صبحدم
آن شه‌کلید مهر درخشان به دست کیست
در گرد و خاک خفته هریوا دلم گرفت
یارب شکوه گنج خیابان به دست کیست

